

ضرورت به روز رسانی احکام دینی

(اهدای عضو بیماران مرگ مغزی از منظر فقهی)

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۳/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۹/۱۲)

دکتر خلیل الله احمدوند^۱

استادیار دانشگاه رازی

پروین عینی

دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق

چکیده

علمای اسلام در گذشته با توجه به نیازهای اساسی زمان و مکان خود پاسخگوی سوالات و احکام به وجود آمده برای مردم بودند. امروز نیز بر همین اساس مسائل زیادی با توجه به پیشرفت ها و متجدد شدن جوامع پیشرو مردم قرار گرفته شده است. پاسخ به آن نیازمند به روز شدن احکام دینی است. در کشور ما به علت ضرورت کلیه قوانین و مقررات اسلامی و تطبیق با شریعت نیازمند بررسی فقهی این مسائل جدید و پدیده‌های نوظهور است. یکی از مسائلی امروزه مردم به آن مبتلا هستند اهدای عضو به بیماران مرگ مغزی می باشد و اینکه دیدگاه اسلام درباره اهدای عضو چیست نقش خانواده‌ها و..... و احکام مربوط به آن و نظر فقها در این زمینه مطرح می گردد. موضوع به روز رسانی و احکام دینی و همچنین اهداء عضو موضوع بسیار گسترده و عمیقی است که احتیاج به مباحث مستقلی دارد که در اینجا فقط اشاره‌ای کوتاه به آن شده است و امید است که هر چند مختصر ولی مفید باشد.

واژگان کلیدی: به روزرسانی احکام، اهدای عضو، مرگ مغزی، بیماران مرگ مغزی

^۱ نویسنده مسئول



اسلام آخرین و کاملترین مکتب الهی است و تمام برنامه‌های آن مطابق مصلحت انسان‌ها است و عمل کردن به آن سعادت انسان‌ها را تامین می‌کند. خداوند انسان را آفرید و به خواسته‌های او کاملاً آگاه است و این خواسته‌ها و نیازها با توجه به گذشت زمان متغیر بوده و به وجود آمدن پدیده‌های نوظهور و قرار گرفتن در شرایط جدید متفاوت شده و با این شرایط امروزه بدهی است که انسان نمی‌تواند در فراگیری مسائل دینی کوتاهی کرده و به بهانه ندانستن این مسئله از عمل به تکالیف الهی که ابلاغ شده شانه خالی کند. به وجود آمدن شبهات مربوط به احکام و ارائه تحلیل‌های عقلانی جهت اقناع اذهان مخاطبان و نیازها و مشکلات امروزی فراگیری این مسائل را ضروری می‌سازد. کسی که اسلام را به عنوان دین خود می‌پذیرد باید برنامه‌های آن را به طور کامل در همه قلمروهای زندگی خود بپذیرد و عمل کردن در آن را مطابق احکام دین تنظیم سازد. امام صادق (ع) فرموده اند: کسی که بدون علم و آگاهی اعمالش را انجام دهد مانند فردی است که به سمت سرابی در بیابان حرکت کند لذا هرچه تندتر برود از مقصدش دورتر می‌شود (امانی شیخ مفید: ۴۲) یکی از مسائلی که در فقه اسلامی مطرح می‌شود با توجه به دنیای متمدن و پیشرفته امروزی مسئله پیوند اعضا و بیماران مرگ مغزی است که سوالات بسیار زیادی در این مورد مطرح می‌شود و دارای چالش‌ها و جای بحث فراوان است که ما با آن مواجه هستیم. وظیفه فقه در اینجا بیان و آگاهی دادن و پاسخگویی به آن می‌باشد. موضوع مرگ مغزی از نظر ساختاری یک موضوع مستحدثه و یک مسئله پزشکی است اما از نظر حکم فقهی یک بحث فقهی است. با توجه به این مسئله و بسیاری دیگر از مسائل نوپدید می‌طلبند که فقه اهل بیت علیه السلام به روز شود که البته و خوشبختانه امروز کمتر مسئله‌ای وجود دارد که در فقه حکم آن را روشن نشده باشد.

بخش اول: ضرورت به روز رسانی احکام

در یک نگرش کلی موضوعات فقهی جاری و جدید تقسیم می‌شود. هر موضوعی که سابقه ای از آن در کتاب و سنت وجود نداشته باشد جدید یا مستحدثه شمرده می‌شود. همچنین هر



موضوع قدیمی است که مسائل تازه‌ای درباره آن مطرح شود و حکم آن در منابع فقهی بیان نشده باشد جدید یا نوپدید خوانده می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲: ۱۳۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۴۵۹) حرکت علمی خیره کننده و پیشرفت‌های چشمگیر دانش بشر مسائل تازه ای را فراروی فقه اسلامی در حوزه عبادات و معاملات قرار داده است و هر روز بر تعداد آنها افزوده می‌شود. فقه از حوزه‌هایی است که مسائل نوپدید فراوانی را در خود جای داده و به همین دلیل از جذابیت ویژه ای برخوردار شده است. (۱) بعضی از احکام عملی دین خدا ثابت و دائمی است و بعضی هم متناسب با شرایط متغیر تغییر می‌کند. ما در دین خدا احکام ثابت دائمی داریم. مثل واجب بودن نمازهای روزانه و یا روزه ماه رمضان و یا حج خانه خدا برای کسی که استطاعت این کار را دارد به طوری که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «حلال محمد (ص) ابدأ الی یوم القیامه و حرامه حرام ابدأ الی یوم القیامه لایکون و لایجیء، غیره» یعنی حلال محمد (ص) همیشه حلال است تا روز قیامت و حرام او هم همیشه حرام است تا روز قیامت غیر حکم او حکمی نخواهد آمد و غیر او نخواهد آمد. (۲) امام علی (ع) فرمود هیچ کس بدعتی نهاد مگر اینکه سنتی را رها کرد (۳). مقصود روایت این است که احکام اسلام در همه زمان‌ها جاری است و وابسته به زمان خاصی نیست و همینطور این احکام را نمی‌توان مربوط به مکلفان خاصی دانست بلکه همه مکلفان تا روز قیامت را در بر می‌گیرد و تنها مربوط به گذشتگان از حاضران مکلفان نیست (شبر، ۱۴۰۴: ۳۰۹ - ۳۱۰؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۲۹ جلد ۲، صفحه ۶۰) احکام و مقررات شریعت بنا به ضرورت باید تغییر کنند. اول به این دلیل که هدف‌ها و اصول و ارزش‌های دین به دلیل وجود موانع متعدد اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در همان ابتدا به طور کامل تحقیق پذیر نبودند و هم اکنون ۱۵ قرن از آن تاریخ می‌گذرد. در برابر تحقق آنها دشواری‌ها و موانع بسیاری وجود دارند که بعضی فرهنگی و ذهنی و بعضی دیگر اجتماعی اقتصادی و سیاسی (ساختاری) هستند. دوم به این دلیل که شرایط و عوامل یاد شده پیوسته در حال تغییر و تحول اند و هم این تحولات بر نحوه تحقق آن اصول و ارزش‌ها تاثیر می‌گذارند.



بخش دوم: مخاطبان دین و شریعت

مخاطبان آموزه‌های دینی فرد فرد انسان‌ها هستند ولی مخاطبان احکام شریعت جمیع مردمانند. آموزه‌های دینی ارتباط مستقیم با دغدغه‌ها و نیازهای وجودی فرد دارند اما در احکام شریعت جمیع مومنان مورد خطاب هستند. آنان داوطلبانه با هم پیمان برادری و دوستی بسته اند بر پایه ارزش‌های مشترک و اصول و موازین دین با یکدیگر همکاری و همزیستی و تعامل داشته باشد. از این پس در کلیه اموری که به جمع و روابط میان آنان و نهادها و فعالیت‌های اجتماعی مربوط می‌شود به جای فرد همه مردم مسئولیت دارند(۴)

زیرا مستقیماً با روابط روزمره مردم مرتبط است و احکام اولیه شریعت از یک طرف از نظام ارزش‌های دینی و از طرف دیگر از شرایط اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جامعه قبایلی و نحوه توزیع قدرت و نیز شرایط خاص اقلیمی تاثیر پذیرفت با توجه به این واقعیت هاست که قرآن تعدد و تنوع شرایط را می‌پذیرد: «برای هر امتی مناسکی قرار داده ایم که به آن عمل کنند پس نباید در این امر (دین) با توبه ستیز برخیزند. به راه و رسم پروردگارت دعوت کن زیرا تو بر راهی راست قرار داری.» (۴)

نکته مهم دیگر این است که در روایات معصومین (ع) موضوع «تفقه در دین» یعنی داشتن شناخت کامل درباره دین و بصیرت و بینا بودن نسبت به احکام و معارف آن مورد توصیه و تاکید بسیار قرار گرفته است. روایت شده که امام کاظم (ع) در این باره فرموده اند: «در دین خدا فقیه و دانا شوید، زیرا فقه کلید بصیرت و شناخت است و مایه کامل شدن از عبادت و وسیله رسیدن به مقامات بلند و مراتب عالیه دینی و دنیایی است. برتری فقیه بر عابد همچون برتری خورشید بر ستارگان است و هر کس در دین خود دانا و فقیه نشود خداوند عملی را از او نمی‌پسندد.» (۵) نیز روایت شده که امیرالمومنین (ع) فرمودند: «اگر خواستی دانا شوی در دین خدا فقیه و دانا شو» (۶) بدیهی است که انسان نمی‌تواند در فراگیری مسائل دین کوتاهی کرده و به بهانه ندانستن مسئله از عمل به تکالیف الهی که ابلاغ شده شانه خالی کند. روایتی که اشاره به مسائل جدیدی در هر زمان ممکن است به وجود آید بیان می‌کنیم:



زراره، چنانچه خود می‌گوید به امام صادق (ع) عرض کردم: خداوند مرا فدای تو گرداند، از ۴۰ سال پیش تاکنون راجع به مسائل حج از شما می‌پرسم و شما همواره جواب می‌دهید، حضرت فرمودند: «ای زراره کانون مقدسی که دو هزار سال پیش از آدم مورد توجه و زیارتگاه بوده تو می‌خواهی مسائل آن در ظرف ۴۰ سال بیان شود.» (۷)

امام خمینی با طرحی خاص پویایی و کارآیی فقه را وارد ادبیات عالمان و اهالی فقه نمود. با بیان و تبیین برخی شاخص‌ها می‌توان به دیدگاه ایشان در زمینه مدیریت فقهی تغییرات دست یافت. ایشان تحولات و تغییرات زندگی را به رسمیت می‌شناسد این تصور و اندیشه در منظومه فکری ایشان جای ندارد که برای عدم تغییر احکام نباید زندگی تغییر نماید. تحولاتی زندگی و تغییرات تابع فرمان کسی نیست پیشرفت‌های مختلف علمی، وسایل جدیدی را خلق و روابط نوینی را می‌آفریند. نوع روابط تا حد زیادی متأثر از پیشرفت‌های مختلف و از لوازم جدایی ناپذیر آن است. زندگی ساده روستایی و آن روابط ساده با نوع زندگی شهری و پیچیدگی‌های آن تفاوت اساسی دارد. ابزارهای جدید مسایل خاص خود را می‌طلبد نوع شغل و اشتغال آدمیان برخی امور را به عنوان یک ضرورت و لازمه آن شغل مطرح می‌کند. نه در توان کسی است که از دگرگونی موضوعات در شعور و ابعاد مختلف زندگی بشری جلوگیری کند و نه چنین وظیفه‌ای بر عهده بشر گذاشته است. رشد و گسترش و تکامل زندگی معلول دگرگونی هاست. دین نه تنها با پیشرفت زندگی سازگاری دارد بلکه مؤکداً این موضوع موافق و مشوق آن است. بدیهی است که زندگی و دگرگونی آن در زایش موضوعات جدید موثر است. با استقرار نظام و سیستم جمهوری اسلامی و حضور عینی و عملی در صحنه سیاست و برای اداره جامعه، مشکلات و مسائل بیش از گذشته خودنمایی کرد. موضوع‌های فراوان در عرصه‌های گوناگون قضاوت، سیاست، فرهنگ، اقتصاد و غیره به وجود آمد. امام بر اثر دیدگاه حداکثری در مورد نقش کلیدی در اداره جامعه معتقد بودند: «..... تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا تاگور است» (امام خمینی، ۱۳۸۵، جلد ۲۱: ۲۸۹) وی از دیدگاه برخی که فقه را برای زمان معاصر کافی لازم نمی‌دانند نفی کرده و آن را غیرقابل پذیرش می‌داند. در دیدگاه ایشان فقیه نمی‌تواند بگوید من به اداره جامعه و پاسخگویی به





مسائل نوظهور و تغییرات کار ندارم. فقه برای اداره جامعه و فرد و برای همه و تمام مدت زندگی انسان در نظر گرفته شده است می بایست حضور قدرتمندانه و پرتوان در زندگی انسان داشته باشد. به نظر می رسد مراد ایشان از واژه فقه در عبارت «فقه تئوری کامل.....» شاید فقه موجود بالجمله نباشد بلکه وجودی سیستم، سامانه و دستگاهی به نام فقه در ساختار دین می باشد که انتظار می رود جامعه و فرد را اداره و مدیریت کند. (۸) مثلاً بخش قابل توجهی از مسائل نوپدید فقه خانواده، معلول پیشرفت های علم پزشکی است. زیرا موضوع فقه خانواده، انسان در روابط خانوادگی است و به همین دلیل یافته های جدید علم پزشکی که انسان را وارد دنیای خیره کننده ای ساخته و روابط وی را با اطرافیان دگرگون ساخته است. مسائلی مانند نابارور سازی زنان، کنترل جمعیت، تنظیم خانواده، تغییر جنسیت، اجاره رحم، تلقیح مصنوعی، کودکان آزمایشگاهی بانک سیر، درمان پذیری عیوب و بیماری ها و شناسایی بیماری های جدید از جمله موفقیت های علم پزشکی است که هر کدام مسائل تازه ای را در فقه پزشکی ایجاد کرده و فقه خانواده را با پرسش های متعددی مواجه ساخته است و این همه آغاز راه است و به یقین مسائل جدید فراوانی پیش روی فقه خانواده قرار دارد (۹). این نوع به روزرسانی در معارف دین توحیدی وجود دارد چون موضوعات جدید، احکام جدیدی را احتیاج خواهد داشت. فرضاً در عالم طب امروز امکان پیوند زدن بعضی از اعضا بدن یک انسان به انسان دیگر امکان پذیر شده حال اگر لازمه این نوع عمل این است که تا یک انسان زنده است می توان عضوی از بدن او خارج کرد و به دیگری پیوند زد و لازمه جدا کردن عضو وی یک انسان فوت او است آیا این عمل یعنی قطع کردن عضوی از بدن انسان که منجر به فوت او خواهد شد حتی اگر انسان دچار مرگ مغزی شده است جایز می باشد یا خیر؟ در این قبیل موارد و امثال آنها احتیاج به احکام جدیدی وجود دارد که از معیارهای کلی اخلاق و احکام دینی می شود آنها را به دست آورد و استخراج این احکام جدید احتیاج به تدبر و تحقیق دانشمندان متبحر در معارف دینی دارد. قواعد کلی فقه اسلامی و نیز ملاکات احتمالی دو ظرفیتی هستند که به کمک آنها فقه اهل بیت رشد یافته و بالنده شده است که فقها در استفاده از ظرفیت های هر یک از این عناوین کوشیده اند حکم موضوعات مستحدثه یا نیازهای نوپدید را تبیین کنند

فقه اهل بیت (ع) را به روز نگه دارند. مسائل جدید فقه خانواده نیز با استفاده از ظرفیت‌های یاد شده به روز رسانی شده و احکام آن بیان شده است. نتیجه این تلاش‌ها توسعه کمی و کیفی همه خانواده بوده است به گونه‌ای که امروز کمتر مسئله وجود دارد که در فقه حکم آن روشن نشده باشد. یکی از مسائلی که امروزه با آن روبرو هستیم از جمله موضوعات مستحدثه است که از مباحث جدید فقهی مرتبط با علم پزشکی است. اهداء عضو بیماران مرگ مغزی که خواهان حکم شرعی است که فقیهان ناگزیر هستند تا از سویی با نگاه به دیدگاه علمی این مسئله را موضوع شناسی کرده و از سویی دیگر با رویکرد اجتهادی خویش مسئله نظر نماید و حکم آن را، تبیین کنند.

بخش سوم: بررسی و تعریف پیوند

انتقال سلول بافت یا عضو زنده از یک فرد به فرد دیگر به نحوی که عملکرد آن محفوظ بماند پیوند نام گرفته است. در حال حاضر فرآورده‌های پیوندی آلو گراف (انسانی) در درمان بسیاری از بیماری‌ها به عنوان بهترین و تنها راه ممکن انتخاب می‌شود. این نسوج و اعضا از افرادی برداشته می‌شود که مرگ مغزی آنها از طرف پزشکان تایید شده باشد و برداشت نسوج و اعضا با وصیت و رضایت شخص (وصیت نامه قانونی یا کارت اهدای عضو و آگاه کردن خانواده در زمان حیات) و یا رضایت وراثت قانونی امکان پذیر می‌شود. پیوند اعضا از مباحث جدید فقهی مرتبط با علم پزشکی است. با وجود اینکه در گزارش‌های تاریخی و روایات اسلامی و نیز در تاریخ پزشکی نمونه‌هایی از پیوند اعضا شده است از جمله پیوند پوست و قرار دادن دندان حیوان بر جای دندان جدا شده انسان و نیز تزریق خون که از مصادیق پیوند عضو به شمار آمده است، اما با گسترده‌گی امروزی آن امری نوپیدا و از ثمرات علم پزشکی به شمار می‌آید. پیوند اعضا در زمره یکی از جدیدترین شیوه‌های درمانی است که برای بیماران ناعلاج درمان ناپذیر به کار برده می‌شود. بیمارانی که به واسطه ابتلا به بیماری‌هایی نظیر نارسائی کلیه و سیروز کبد و یا آترزی مجاری صفراوی و..... راهی درمانی جز پیوند اعضای سالم دیگری به جای عضو ناسالم خود ندارند. منابع عمده تامین این شیوه





های نوین پزشکی درمانی انسان زنده و نیز اجساد انسانی هستند که سبب قابلیت کارایی و استفاده از اعضای مورد نیاز از هر یک از این منابع بهره برداری می شود. با این همه امروزه غالب پیوندهای اعضا از افراد مبتلا به مرگ مغزی گرفته می شود که در این وضعیت می توان از پانکراس (لوزالمعده)، قلب، کلیه، قرنیه و غیره استفاده کرد. پیوند اعضا انجام هرگونه پیوندی غیر از افراد متخصص که عمل جراحی و پیوند را انجام می دهند اعطا کننده عضو و دریافت کننده آن نیز وجود دارند که در این ارتباط رابطه خاصی میان این دو دسته اخیر حاکم است. برای تعیین دامنه و گستره ارتباط دهنده عضو پیوندی و گیرنده آن که اعضای اصلی تحقق فرآیند پیوند اعضا را تشکیل می دهند ما وارد دنیای فقهی و روابط شرعی آن می شویم. ب. ه دیگر بیان در انجام عمل پیوند میان دو شخص رابطه‌ی فقهی محقق می گردد که به لحاظ محوریت پزشکی در وادی فقه پزشکی متبلور می گردد. با این وصف مشخص کردن وضعیت فقهی انجام پیوند اعضا در جایگاه فقهی دریافت کننده و گروه پیوند دهنده و اهدا کننده به مثابه شخص ثالث و وظایف گروه پیوند دهنده، میزان کیفیت عمل مزبور، شرایط لازم برای تجویز پیوند عضو، ضرورت یا عدم ضرورت اخذ رضایت از اهدا کننده و دریافت کننده، و رعایت احکام فقهی مقرر و مسائل شرعی از این قبیل در خصوص پیوند اعضا در زمره موضوعات مورد مطالعه فقه پزشکی بوده و افزون بر توجه به ضرورت مداخله فقه پزشکی به طور ویژه مورد مطالعه و امحان نظر قرار می گیرد. (۱۰)

بخش چهارم: نظر دین اسلام در رابطه با عمل اهدای عضو چیست؟

وقتی از عمل اهدای عضو از نظر اخلاقی و انسانی آن هم از حیث مبانی دور از وارد شدن در جزئیات آن حرف می زنیم که در آن انسانی یک عضو بدن خود را به انسان دیگر می بخشد و این کار از نظر احسان و ایثار یک ارزش اخلاقی به حساب می آید خداوند سبحان در واقع آن می فرماید: «و یوؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة» (حشر/۹) اما اگر بخواهیم از نظر شرعی وارد جزئیات آن بشویم، حرف ما این است که بعضی از اعضای بدن اساسی هستند و بدون آن زندگی کردن امکان پذیر نمی باشد. پس طبیعی است که جایز نیست انسان قلب خود

را اهدا کند و نیز نمی‌تواند عضوی را که در زندگی ذاتی و اجتماعی به آن نیازمند است به دیگری اهداء کند و همینطور اگر یک کلیه و یا یک چشم دارد، نمی‌تواند آنها را ببخشد. اما اگر عضویت در این سطح از اهمیت برای حیات انسان وجود نداشته باشد مثلاً دو کلیه داشته باشد اما یکی مشکل داشته و دیگری سالم باشد در این صورت جایز نیست که کلیه سالم را اهداء کند اما اگر از نظر پزشکی این مسئله کاملاً شکل طبیعی داشته باشد می‌تواند یکی از دو کلیه خود را به اهدا نماید. سپس می‌توان از اساس اعضای بدن را به دو گروه به حیاتی که فقدانش اثر منفی مهمی روی زندگی انسان می‌گذارد و اعضایی که فقدانش تا این اندازه اثر منفی ندارد تقسیم بندی کرد.

بخش پنجم: نقش روشنگری امام و نقش پنهان مانده مقام معظم رهبری

امام خمینی (ره) در قامت یکی از فقهای بزرگ شیعه در عصر حاضر هم اشراف کامل و آگاهی عمیقی بر مبانی فقه داشت و هم واقعیت متحول و متکامل حیات انسان در جهان را می‌شناخت و هم مسائل مستحدثه فقهی توجهی شایسته کرد به گونه ای که بخشی از اثر ارزشمند و ماندگار «تحریر الوسيله» را به این دست از مسائل اختصاص داد و از آن پس فقها و عموم پژوهشگران عرصه های فقهی توجه افزون تری به این گونه مسائل پیدا کردند. پاسخگویی به پرسش های نوپیدا که در سال های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز وجود داشته و در قالب مسائل مستحدثه در کتب استدلالی و با فتوای فقیهان یافت می شد. متن گفتگوی خبرنگار رادیو تلویزیون در قم از امام خمینی درباره حکم اسلام درباره پیوند اعضا به شرح زیر است:

سوال کننده: پیوند اعضا از نظر اسلام چه حکمی دارد؟

پاسخ امام به وی: «در صورتی که پیوند اعضا اسباب نجات یک نفر از موت شود به حسب شرع مانع ندارد»

مخبره این خبر در رادیو تلویزیون در هفتم اردیبهشت ۱۳۵۸ برای جامعه پزشکی ایران شگفتی آفرین شد. پاسخ امام خمینی امواج رسانه های مخالف علیه نظام اسلامی را که درباره



مسئله پیوند اعضا جنجالی به پا کرده بود و روحانیت و فقه اسلامی را ارتجاعی می‌خواند، در نطفه خفه کرد. این حکم امام خمینی آغازگر مباحثی روشنگرانه شد. نهادهای پزشکی از سوی از این حکم امام خرسند و خوشحال بودند و نهادهای حوزوی از سوی در پی مباحثات تازه شکل گرفته که تاکنون در حوزه های علمیه رایج بود. اندیشه بلند و روح بزرگ و روشن بین آن فقیه نواندیش و عارف انسان‌شناس سر فصل جدیدی در رویکرد فقه به مسائل و موضوعات نوپیدایی پزشکی عرضه کرد. از جمله مواردی که در عصر حاضر در مورد توجه فقیهان واقع شده است.

بخش ششم: تلاش‌های آیت الله خامنه‌ای برای رایزنی با مجلس و شورای نگهبان در تصویر آلود پیوند عضو

دکتر ایرج فاضل را پدر پیوند عضو ایران می‌نامند. اگرچه امام در سال ۱۳۵۸ پاسخ روشنگرانه ای به مسئله اهدا عضو داده بود اما این موضوع به دلیل اختلاف نظرها و برخی مخالفت های فقهی و ایرادات وارده قانونی از سوی مجلس و شورای نگهبان مسکوت و نامشخص مانده بود. تا آنکه در سال ۱۳۶۸ دکترفاضل توانست فتوای دیگری از امام خمینی برای استفاده از اهداء اعضای مرگ مغزی برای بیماران پیوند بگیرد. دکتر فاضل در این باره می‌گوید: «در اوایل انقلاب که موضوع اهدای عضو مطرح شد برای فرد مرگ مغزی شده باید دو مرحله را طی می‌کردیم که بتوانیم اعضای او را اهدا کنیم ابتدا باید از نظر شرعی موضوع حل می‌شد که اهدای اعضای شخص مرگ مغزی شده از نظر اسلام اشکال ندارد. همچنین باید از نظر قانونی باید قانون اهدای عضو تصویب می‌شد. برای حل موضوع شرعی به امام نامه نوشتم و ایشان استفتاء دادند که مشکل ندارد و این نشان‌دهنده درآیت و دوراندیشی ایشان بود. در مجلس شورای اسلامی قانون اهدای عضو از افراد مرگ مغزی سه بار رد شده بود که با وساطت بزرگان به تصویب رسید. فتوای تاریخی امام خمینی در سال ۶۸ موجب شد که اهدای عضو از افرادی که دچار مرگ مغزی شده اند انجام شود. پدر پیوند عضو ایران بیان می‌کند: «بسیاری از افراد در زمان جنگ به دلیل انجام نگرفتن عمل پیوند فوت می‌کردند. در دوران دفاع مقدس همه امکانات کشور به حق در اختیار جنگ بود و بسیاری از بیماران به دلیل



نبود عمل پیوند فوت می‌کردند. دوبار مسئله مرگ مغزی در مجلس رد شده بود بار سوم شورای نگهبان آن را رد کرده بود که در نهایت با پیگیری‌ها و وساطت مقام معظم رهبری این مسئله برطرف شد و قانون اهداء عضو از افرادی دچار مرگ مغزی شده بودند به تصویب رسید. در این میان گرچه این حکم امام بود که راه‌ها را گشود، اما آیت الله خامنه‌ای با رایزنی‌های فقهی و پیگیری‌های پشت صحنه خود توانست این قانون را که در مجلس و شورای نگهبان رد شده بود به تصویب برساند. این تلاش‌های پی‌جویانه مقام معظم رهبری بود که پشتوانه‌ی به ثمر رسیدن قانونی شد که موجب پیشرفت دانش پیوند اعضا در ایران شد. (۱۱) مسئله‌ای که در برخی کشورهای اسلامی منطقه حل نشده است، هم اکنون در کشورهای منطقه بسیاری از مراجع با استفاده از اعضای افراد مرگ مغزی برای بیماران پیوند مشکل دارند اما در کشور ما به دلیل فتوای حضرت امام خمینی در سال ۱۳۶۸ که دو هفته قبل از فوت ایشان صادر شد و پیگیری آیت الله خامنه‌ای تحول بزرگی در پیوند اعضای کشور صورت گرفته است. ۳۱ اردیبهشت ماه روز ملی اهداء عضو و اهداء زندگی در کشور ماست، اما مسئله دیگری که جای تأمل دارد: این است که عدم رضایت خانواده‌ها می‌باشد.

بخش هفتم: دلیل عدم رضایت خانواده‌ها

رئیس واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی بیمارستان مسیح دانشوری با اشاره به اینکه سالانه ۴ هزار مرگ مغزی در ایران اتفاق می‌افتد گفت روزانه ۱۲ نفر بیمار از لیست انتظار پیوند به دلیل نرسیدن اعضای پیوندی جان خود را از دست می‌دهند. وی گفت مهمترین دلیل عدم اهدای عضو و در زیر خاک قرار گرفتن این گنج‌های گرانبها را رضایت ندادن خانواده‌های بیماران مرگ مغزی دانست و گفت مهمترین دلیل این عدم رضایت خانواده‌ها این است که باور ندارند مرگ مغزی غیر قابل برگشت است و همچنان امید دارد که بیمارشان بهبودی یابد. صادق بیگی افزود: از آنجا که مرگ مغزی ظاهری شبیه به کما دارد و اغلب برای مدت کوتاهی با کمک داروها و دستگاه‌ها فعالیت می‌کند خانواده‌های بیماران مرگ مغزی تصور می‌کنند بیمارشان زنده است در حالی که مرگ مغزی یک اتفاق غیر قابل برگشت است و تنها



یک درصد علت مرگ ها را شامل می شود. امکان بهبودی فرد مبتلا به مرگ مغزی وجود ندارد. در مرگ مغزی و کما فعالیت مغز از بین می رود با این تفاوت که در بیمار مبتلا به کما هنوز سلول های مغزی زنده هستند اما در مرگ مغزی سلول های مغزی مرده اند و امکان برگشت وجود ندارد و در ادامه توضیحاتی داده اند و تاکید کردند که تاکنون حتی یک مورد مرگ مغزی که بهبود یافته باشد گزارش نشده است. (۱۲) عوامل متعددی در اهدای عضو موثر است که یکی از عوامل مهم رضایت خانواده ها و باورها و اعتقادات فردی و مذهبی نقش عمده ای در تصمیم گیری دارد اعتقاد به حق بودن و اجتناب ناپذیری مرگ و نیز پایان ناپذیرفتن زندگی با مرگ، اعتقاد به تقدیر و سرنوشت و حکمت نهفته در بروز هر حادثه، باور ادامه حیات متوفی در دنیا و همچنین بقاء شادی و آرامش روح متوفی با اهداء از جمله اعتقادات و باورهایی است که در تصمیم گیری خانواده ها موثر می باشد.

بخش هشتم: نقش اولیا در اعلام اجازه

علاوه بر وصیت بیمار شرط دیگری که در قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان مسلم است مطرح شده، موافقت ولی میت با پیوند است و از به کار بردن کلمه «یا» در قانون یاد شده چنین استفاده می شود که هر کدام از وصیت بیمار یا رضایت ولی که محقق شود، برداشت اعضا برای پیوند مانع قانونی نخواهد داشت. بنابراین سوال اساسی جای طرح دارد که اولاً اولیای میت چه کسانی هستند و ثانیاً از نظر مبانی فقهی هم می توان برای اولیای میت چنین اختیاری را لحاظ کرد یا خیر؟ نکته دیگر اینکه در قانون یاد شده عبارت موافقت ولی میت به کار رفته است و این سوال مطرح می شود که اگر میت بیش از یک ولی داشته باشد آیا موافقت یکی از آنها کافی است یا اینکه الزام همه توافق خود را بر رضایت به برداشت عضو اعلام کنند؟ البته طرح و پاسخ گویی به سوال اخیر منوط به آن است که بر اساس مبانی فقهی بتوانیم برخورداری عملیات از چنین حقی را اثبات کنیم. بالاخره سوال دیگری که در این خصوص قابل طرح و بررسی است مسئله مخالفت اولیا با وصیت میت است که ممکن است با اصل برداشت اعضا مخالفت کنند یا بخواهند بعضی از خواسته های



موسی را نادیده بگیرند. مثلاً به جای موسی له شخصی دیگری را برای پیوند عضو تعیین نماید. در اینجا هم این سوال رخ می نماید که این مخالفت چه تاثیری در برداشت عضو به لحاظ حقوقی و فقهی خواهد داشت؟ در خصوص تعداد اولیا و دایره نفوذ تصرفات آنان برخی محققان در جای خود بحث های فقهی مفصلی را مطرح و بررسی کرده است از نظری تحول ۱۳۸۰ (ش) در قانون در مورد اینکه اولیای میت چه کسانی هستند، از ماده ۷ از آیین نامه اجرایی قانون پیوند اعضا تصریح می کند. ولی میت همان وراث کبیر قانونی می باشند که می توانند رضایت خود را مبنی بر پیوند اعضا اعلام نمایند. رضایت کلیه وراث یادشده لازم است. این در حالی است که مبنایی که در فقه و به تبع آن در قانون مجازات اسلامی برای جرائم علیه جسمانیت پذیرفته شده که زن و شوهر به رغم اینکه جزء وراث میت هستند در موارد جرائم علیه تمامیت جسمانی حق اقامه دعوا و عفو و مصالحه ندارد و تنها در صورت تصمیم دیگر اولیا بر گرفتن دیه می توانند در آن سهم باشند. در این خصوص شیخ طوسی می نویسد: اولیای مقتول کسانی هستند که از دیه میت ارث می برند به جز زن و شوهر و همگی می توانند مطالبه قصاص یا دیه نمایند. همچنین هر یک به تنهایی یا همگی می توانند از حق خود بگذرند و عفو نمایند و تفاوتی بین مذکر و مونث نیست. اگر ولی دم فوت کرد فرزندان وی در مطالبه قائم مقام او هستند و زن و مرد غیر از سهم از دیه دست صورتی که اولیا خواهان آن باشند حق دیگری ندارند. وی در کتاب خلاف دلیل این سخن خویش را اجماع فرقه و روایات اهل بیت و آیه شریفه می داند (طوسی، ۱۴۱۷ قمری) می توان گفت در فقه شیعه در مسئله قتل وارثان میت به جز زن و شوهر همه قائم مقام او تلقی می شوند. بر همین اساس هرگونه اقامه دعوا علیه معترضان به تمامیت جسمانی میت نیز توسط همین افراد قابل پیگیری خواهد بود. به عبارت دیگر در جایی که جنایتی علیه تمامیت جسمانی صورت می گیرد وراث میت به غیر از زن و شوهر حق اقامه دعوا و پیگیری دارد و مسئله مورد بحث نیز چون جنایت علیه جسمانیت است از این قاعده مستثنی نیست. پس از مشخص شدن اینکه اولیای میت در مسئله مورد بحث چه کسانی هستند سوال اساسی این است که آیا در اینجا هم اولیا از همان حقوقی برخوردارند که راجع به قتل و دیه تصمیم می گیرد یا به دلیل اختصاص یافتن این دیه به خود میت و نحوه یا





حق تصمیم‌گیری در این مورد به اولیا واگذار نشده است. در فقه اهل سنت (شرف‌الدین، ۱۴۰۳ قمری) و برخی آرای فقهی شیعه که به نمونه‌ای از آن گذشت چنین حقی برای اولیا پذیرفته شده است و مقررات بسیاری از کشورها از جمله قانون ایران هم از حق اولیا در اجازه برداشت اعضا از مردگان مغزی و بیماران فوت شده سخن به میان آورده است. این درحالی است که عده‌ای قائل به چنین حقی نیستند. از جمله امام خمینی می‌نویسد: اگر خود میت اذن ندهد ظاهر آن است که اولیاء چنین حقی ندارد (موسوی خمینی (بی‌تا) محسنی، ۱۴۲۴ قمری) از آنجا که اصل اولی در مسئله ولایت انسانها بر یکدیگر عدم ولایت است ادعای ولایت در خصوص مسئله مورد بحث نیاز به اثبات دارد. در مسائلی همچون نماز خواندن بر میت و غسل دادن و تکفین و به طور کلی تکالیفی که به صورت واجب کفائی به عهده افراد جامعه است فقها بحث تقدم اولیا و اجازه آنان را بر اساس روایات مطرح بوده‌اند و در مسائلی مثل اخذ دیه و عفو از قصاص و امثال آن که از برداشت اعضا و تصرفات جسمانی بر میت چنین نصی یافت نمی‌شود. و به محض برداشت اعضا و تصرفات جسمانی طبق اصل کلی عدم ولایت انسانها بر یکدیگر می‌توان گفت در این خصوص ولایت اولیا طبق ادله اثبات نشده است. یکی از نویسندگان معاصر در تحلیل ولایت نداشتن اولیا نسبت به جسد میت می‌نویسد: «عموم ادله‌ای که می‌گوید: میت مؤمن به مانند زنده او احترام دارد، اقتضا می‌کند که در حیات و ممات او احدی حق تعرض به اعضای وی را نداشته باشد. روشن است که در این جهت اولیای میت با دیگران یکسانند.» (مومنی قمی، بی‌تا) سپس در مقام دفع این توهّم که ممکن است ولایت اولیا چنین حقی داد را برای اذن ثابت کند می‌نویسد: «نهایت دلالت ادله ولایت از این است که در آیات و روایات از کسی که عهده‌دار کارهای میت است به «ولی» تعبیر شده و ولایت عبارت است از سرپرستی و قیم بودن، چنانکه در ولایت پدر بر فرزندان مشاهده شود (مؤمن قمی، بی‌تا) در ادامه آیات و روایاتی را که در آنها واژه «ولی» به کار رفته و با مسئله رابطه اولیا و میت اشاره دارند را به عنوان شاهد سخن خود ذکر کرده و در پایان چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که روایات تنها بر این دلالت دارند که نام عهده‌دار امور میت «ولی» است و در این اطلاق همین مقدار که برای آنها حق انجام برخی کارهای میت مانند تجهیزات او و حق

قصاص و غیره وجود داشته باشد کافی است. هیچ یک از روایات اطلاقی ندارد که مقتضی توسعه دامنه ولایت به هر چه ولی تصمیم می‌گیرد باشد. (مؤمن قمی، بی تا) بنابراین می‌توان گفت به مقتضای ادله اولیای میت نسبت به اعضای بدن وی مانند دیگران هستند و هیچ یک حق ندارند اذن دهند که اعضای او را دیگری پیوند بزنند اگر همچنین اجازه ای از آنها صادر شود تاثیری ندارد و مجوز برداشتن اعضای نمی‌شود. از سوی دیگر تعلق دیه جنایت بر میت به بیت المال برابر برخی اقوام و صرف در امور خیریه بنا بر قول مشهور حاکی از آن است که منافع میت متعلق به جامعه است بخصوص در برخی اقوال حتی صرف دیه در امور خیریه منوط به اذن حاکم شده است نه اولیاء و از مجموع این مباحث می‌توان دریافت که طبق مبانی فقهی اولیا حق تصمیم‌گیری در این خصوص را ندارند. بنابراین دخالت اولیا در اعلام رضایت را باید از نوع بیان رضایت میت دانست نه اینکه رضایت خود را بیان کنند با این بیان اگر میت رضایت خود را قبلاً اعلام کرده باشد اولیا به دلیل نداشتن سمت به شرحی که گذشت حق مخالفت ندارد با این حال در جایی که خود میت کسی را تعیین نکرده باشد چه بسا بتوان از باب اینکه اولیا جانشین میت هستند تعیین مصداق را به اولیا سپرد و همانند جایی که شخص وصیت مبهم کرده از باب اینکه اولیا بهتر می‌توانند خواست میت را تشخیص دهند و از آنها خواست که در هر راهی تمایل دارند بهره‌گیری از بدن میت را در صورت وصیت تعیین نمایند. (۱۳)

بخش نهم: رضایت کلی قانون و شرع

از بسیاری مراجع عظام تقلید از جمله حضرت امام خمینی، مقام معظم رهبری، آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله نوری همدانی، آیت الله صافی استفتاء شده است و ایشان اهدای عضو و پیوند به بیماران نیازمند اعضا را نجات جان برخی بیماران موقوف بر آن است جایز شمرده‌اند و در عین حال اهدای عضو بر اساس قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده و یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان مسلم است، مصوبه ۱۷ فروردین ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان امری قانونی است. آیین‌نامه هیئت وزیران نیز نحوه اجرا را



تبیین کرده است. پیوند اعضا تنها راه ادامه حیات برای بیماران مبتلا به نارسائی پیشرفته قلب و کبد و بهترین درمان برای بیماران مبتلا به نارسایی پیشرفته کلیه است. در حالی که تعداد زیادی از افراد دچار مرگ مغزی بدون استفاده از اعضا، مدفون می شوند، بیماران زیادی در انتظار دریافت اعضای پیوندی هستند، عدم انجام آن منجر به مرگ شان می شود. مرگ مغزی توقف پایدار و برگشت ناپذیر همه اعمال مغز است. در این وضعیت هیچ گونه امیدی برای برگشت فعالیت مغز آسیب دیده وجود ندارد و فرد دچار مرگ مغزی هرگز قادر به زندگی دوباره نخواهد بود. فرد دچار مرگ مغزی بدون کمک دستگاه می تواند نفس بکشد، مردمک هایش پاسخ به نور را ندارد و به تحریک دردناک عکس العمل نشان نمی دهد. دستگاه گیرنده امواج مغزی وی هیچگونه موجی را از مغز ثبت نمی کند، مرگ مغزی معمولاً بعد از صدمه شدید به سر و خونریزی مغزی یا سکته و نرسیدن طولانی مدت اکسیژن به مغز اتفاق می افتد. اگر شنیدید فردی دچار مرگ مغزی بوده و دوباره بهبود پیدا کرده است بدانید که مسلماً آن فرد دچار مرگ مغزی نبوده بلکه در کمای عمیق بوده و به اشتباه در مورد وی استفاده شده است. تشخیص این حالت از یکدیگر به وسیله معاینه دقیق امکان پذیر است که در این معاینات به صورت کامل و در چند مرحله طبق قوانین توسط حداقل پنج متخصص بررسی و تایید می شود. فرد دچار مرگ مغزی توسط پنج نفر پزشک متخصص که طبق قوانین موجود از جانب وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی برای این کار حکم دارند و اعضای هیئت علمی دانشگاه هستند شامل یک جراح مغز و اعصاب، یک متخصص داخلی مغز و اعصاب، یک متخصص داخلی، یک متخصص بیهوشی و نماینده پزشکی قانونی معاینه می شود که پزشکان تایید کننده هر کدام مستقل از یکدیگر فرد را در دو نوبت معاینه کرده و مرگ مغزی او را تایید می کنند. سپس اعضا سالم این فرد به وسیله تیمی از پزشکان متخصص در این امر برداشته شده و گیرندگان پیوند می شوند. بعد از برداشت اعضا نیز طبق قوانین محل عمل جراحی به دقت ترمیم می شود تا تغییری در ظاهر بدن فرد اهدا کننده عضو مشخص نباشد سپس پیکر اهدا کننده به خانواده تحویل داده می شود. با توجه به نظر فقها و جایز و مشروع بودن اهدای عضو در این بیماران جدا از جزئیات فقهی لازم است اشاره شود که موضوعی



مانند اهدای عضو علاوه بر اذن مراجع دینی و قانونی و پزشکی نیازمند یک آگاهی مسئولانه و مقبولیت مردمی و فرهنگی و اجتماعی نیز می باشد تا کید روی صدقه جاری با عمل به فرمایش پیامبر گرامی اسلام که فرمودند فرد می می رد مگر به چند چیز: علمی از خود به جای بگذارد که مفید واقع شود ، فرزند صالحی که برای او دعا نماید و صدقه جاری از خود به جای بگذارد باید برای گسترش صدقه جاری کوشش شود تا اهدای عضو را نیز در بر بگیرد ، اهدای عضو را نیز صدقه جاریه در نظر گرفته شود.(۱۴)

نتیجه گیری و پیشنهادات

علم فقه یکی از مقدس ترین علوم ارزنده اسلام که عهده دار بیان روش اصیل بندگی خداوند متعال و کیفیت صحیح آن است و خوشبختانه با پیشرفت های دنیا تمدن امروزی هم سواالی برای پاسخ نگذاشت در همه مسائل اقتصادی و اجتماعی و چه علمی و انسان بر پایه نیازهای زندگی به آن روی آورده برای ساماندهی به زندگی دینی خود از آن بهره مند می شود. یکی از مسائل به روز که مطرح می شود اهداء عضو بیماران مرگ مغزی است که در کشور ما هم که اسلامی است و با توجه به اینکه بخشش و از خود گذشتگی و فداکاری در قلب دین جای دارد می توان فهمید که احکام اسلامی نه تنها اهدای عضو را اجازه می دهد بلکه به آن تشویق نیز می نماید و آن را از مهمترین مستحبات به شمار می آورد اسلام بر اساس مبانی فقهی و شرعی خود با در نظر داشتن شرایطی اهدای عضو را جایز می داند. وقتی از عمل اهدای عضو از نظر اخلاقی و انسانی آن هم از حدیث مبانی دور از وارد شدن در جزئیات آن هم حرف می زنیم که در آن انسان یک عضو بدن را به انسان دیگر می بخشد این کار از نظر احسان و نیکوکاری و ایثار یک ارزش اخلاقی به حساب می آید در سوره مائده آیه ۳۲ می فرماید: « هر کس انسانی را از مرگ برهاند گویی انسانی را زنده نگه داشته.» با علم و آگاهی دادن به خانواده ها در درک بهتر مرگ مغزی نگرانی های مرتبط با اهدای عضو در تصمیم گیری مناسب کمک کند و چه از لحاظ علمی این مسئله و چه حکم شرعی آن امید است که هیچ بیماری در لیست انتظار پیوند به علت نرسیدن عضو پیوندی فوت نکند. علم بشر هر چه پیشرفت



کند و دنیا هرچه متمدن و پیشرفته شود در برابر علم و حکمت خداوند بسیار بسیار ناچیز و محدود است «ان الله علی کل شیء قدیر» و خداوند بر هر کاری تواناست همچنان که امروز شاهد و ناظر هستیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع و مأخذ

قرآن کریم و بعد

- ۱- مقاله مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده پاییز و زمستان ۱۳۹۷ شماره ۲ هدایت نیا، فرج الله استادیار گروه فقه و حقوق پژوهشکده فرهنگ و اندیشه
- ۲- کارکرد دین در دنیای مدرن (۷۶۵) مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان ک، هادی تهرانی، مهدی
- ۳- کتاب وسائل الشیعه ج ۱۶، ص ۱۷۵
- ۴- مقاله عصری سازی احکام دینی در چهارچوب نظریه استقلال دین از شریعت نویسندگان حبیب الله، پیمان. بازتاب اندیشه ۱۳۸۳ پرتال جامع علوم انسانی
- ۵- تحفه العقول ص ۴۱۰ باب ماروی عن موسی بن جعفر فی قصار هذه المعانی
- ۶- غررالحکم و دررالحکم ص ۴۹ فصل فی الفقه و الفقاهت ۲۶۴
- ۷- وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۱۲ باب الوجوب علی کل مکلف المستطیع
- ۸- پرتال امام خمینی - سید روح الله موسوی خمینی (۱۳۸۵) صحیفه امام دوره ۲۲ جلدی تهران چاپ و نشر امام خمینی (ره) چاپ و نشر عروج چاپ اول
- ۹- مقاله فقهی حقوقی زن و خانواده (مورد یک بیان شد)
- ۱۰- مقاله نگرشی بر ضوابط فقهی و روابط شرعی حاکم در پیوند اعضا (رامین تقی پور، فرخنده رفیعی)
- ۱۱- خبر آنلاین، کد خبر ۱۲۶۲۵۰۸ پرتال جامع علوم انسانی
- ۱۲- اخبار اجتماعی، اخبار پزشکی ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۹ کد خبر ۱۹۰۵۴
- ۱۳- مقاله پژوهشی نقش و ماهیت اذن در پیوند اعضا اسماعیل آقابابایی نبی (فصلنامه فقه پزشکی) سال هفتم، شماره ۲۲ و ۳۲ بهار و تابستان ۱۳۹۴
- ۱۴- مقاله نگرشی بر ضوابط فقهی و روابط شرعی حاکم بر پیوند اعضا (رامین تقی پور، فرخنده رفیعی)





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی